

## تمایز سوره‌های مکی و مدنی بر اساس نقش‌های زبانی مطالعه موردی سوره‌های مریم و طه، نور و احزاب بر اساس الگوی ارتباطی روسن یاکوبسن

زهرا سلیمی<sup>۱</sup>  
نرگس انصاری<sup>۲</sup>

### چکیده

کلام الهی به عنوان یک متن که در فرآیند انتقال معنی به مخاطب ارائه شده است، تحت تأثیر بافت موقعیتی و متنی و مخاطبان آن شکل و نمود متفاوتی دارد. شرایطی که گیرنده پیام در سوره‌های مدنی دارد، متمایز از سوره‌های مکی است. این تفاوت در شرایط موجب تمایز در معنی نیز شده است؛ از این رو می‌توان با رویکردهای جدید زبانشناسانه این تمایز را بصورت علمی روشن نمود. بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن تمرکز کلام متوجه هر کدام از عناصر کلام باشد، نقش و کارکرد کلام نیز متمایز می‌گردد. فهم و درک مضامین آیات با دید خطاب‌گونه بر آن‌ها هدفی است که این پژوهش بر آن است؛ محقق گرداند. تفاوت در مخاطب و بافت خطاب چه تأثیری در نقش‌های زبانی و جهت‌گیری خطاب دارد؟ مساله و پرسشی است که پژوهش حاضر با توجه به کارکرد نقش‌های زبان در دریافت و فهم مفاهیم مبتنی بر الگوی زبانشناسی یاکوبسن بر آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد تا با بررسی تفاوت مخاطب و گیرنده و اثر آن در کارکرد زبانی پیام، افق جدیدی برای فهم و دریافت قرآن کریم و تمایز سوره‌های مکی و مدنی گشاید. بدین منظور از میان سوره‌های مکی قرآن، دو سوره مریم و طه که ارتباط دو جانبه در آن مشهود است، و از میان سوره‌های مدنی دو سوره نور و احزاب به صورت گزینشی انتخاب گردید تا با دیدی مقایسه‌ای؛ انواع خطاب‌ها مورد تبیین قرار گیرد. با توجه به ویژگی تعلیمی و آگاهی بخشی نقش ترغیبی زبان، کاربرد این نقش نسبت به سایر نقش‌های زبانی در قرآن کریم به ویژه آیات مدنی غالب است. جهت‌دار بودن پیام به سوی موضوع با ویژگی قابل صدق و کذب بودن عبارات؛ یعنی کارکرد ارجاعی زبان از دیگر نقش‌های پرکاربرد در میان آیات مورد نظر بود. اکثر خطاب‌های موجود در سوره‌ها نسبت به بندگان، خطاب‌هایی غیر مستقیم بوده و خداوند از زبان پیامبران خویش پیام را به تمام مخاطبان القا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی قرآن کریم، سوره‌های مکی و مدنی، نظریه ارتباطی، یاکوبسن، نقش‌های زبان.

\*\*تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵ |DOI: 10.29252/PAQ.9.2.97

zahrasalimi1998@yahoo.com

۱- نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری دانشگاه بین المللی امام خمینی<sup>(ه)</sup>.

n.ansari@hum.ikiu.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی<sup>(ه)</sup>.

## مقدمه

سوره‌هایی که در ابتدای بعثت پیامبر اکرم (ص) و قبل از هجرت ایشان نازل شده‌اند، سوره‌های مکی نامیده شده که پیام و هدف خاص آن‌ها مرتبط با مباحث عقیدتی و اخلاقی است و قصه در آن‌ها بسیار است. اما سوره‌هایی که سوره‌های مدنی نامیده شده‌اند، متناسب با حکومت پیامبر اکرم، مباحث جهادی، قوانین اجتماعی و مسائل مربوط به جامعه را بیان می‌کنند. بسیاری از قرآن پژوهان نوع خطاب در آیات قرآنی را ملاکی برای تمایز میان سوره‌های مکی و مدنی می‌دانند. «سوره‌های مکی سه دسته مخاطب دارد: پیامبر، مشرکان و مسلمانان. مخاطب اصلی سوره‌های مکی هستند و تمییز میان سه دسته خطاب امکان پذیر است. ولی سوره‌های مدنی بر خلاف سوره‌های مکی مخاطبان بسیاری دارند اعم از: پیامبر، یهود، نصارا، منافقان، اعراب، مؤمنان، زنان و...» (بهرامی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). از این رو پژوهش حاضر با توجه به نظریه ارتباطی یاکوبسن که حول محور خطاب و ارتباط است، به مقایسه سوره‌های مکی و مدنی مبتنی بر این جنبه می‌پردازد. نکته قابل توجه در این است که اصل خطاب‌ها متوجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است ولیکن گفتگوهایی که در ضمن این خطاب‌ها صورت گرفته، مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین، گفت و گوها بر دو وجه است؛ گفتگوهایی که مستقیم مورد خطاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بوده و گفت و گوهایی که به صورت غیر مستقیم بوده همانند خطاب با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» که مخاطب اصلی پیامبر بوده و در ضمن آن مومنان مورد توجه قرار گرفتند. یا برای نمونه در سوره احزاب خداوند در خطابی می‌فرماید: «یا ایها النبی قل لأزواجک» (احزاب، ۲۸ و ۵۹) و در خطابی دیگر می‌فرماید: «یا نساء النبی» (احزاب، ۳۰ و ۳۲). نظریه ارتباطی یاکوبسن در حوزه مطالعات زبانی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد تحلیل متون مختلف از جمله متون دینی به کار گرفته می‌شود. در این نوشتار تلاش می‌شود پیام و محتوای اصلی آیات متناسب با رویکرد جدید زبان شناسی مورد بررسی قرار گیرد تا نگرشی تازه به آن ایجاد شود و افزون بر بررسی پیام عبارات، نقش فرستنده یا گیرنده و مجرای ارتباط نیز مورد توجه قرار گیرد. ارسال وحی و بیان آیه از سوی خداوند متعال راه ارتباطی خداوند و انسان است و این ارتباط مشتمل

بر سه جزء گیرنده، فرستنده و پیام است و بررسی آیات الهی بر پایه مباحث زبان شناختی از این روست که «اسلام از همان آغاز به زبان بسیار توجه داشته است. اسلام آن هنگام ظهور کرد که خداوند سخن گفت. همه فرهنگ اسلامی با این واقعیت تاریخی آغاز شد که انسان با زبانی که خود سخن می‌گفت، مخاطب خداوند شد بنابراین، وحی اساساً مفهومی زبانشناختی است. (ایزتسو، بی‌تا: ۱۹۳). لذا این متن قابلیت بررسی با رویکردهای زبانشناختی را دارد. از این رو، پژوهش حاضر به صورت گزینشی دو سوره (مریم و طه) از قرآن کریم که ارتباط دو طرفه در آن بسیار مشهود است و دو سوره مدنی (نور و احزاب) را مورد مطالعه قرار داده و تلاش دارد با نگاهی مقایسه‌ای، کارکرد زبان را در آن روشن سازد و آنچه در نمودارها به تصویر کشیده می‌شود متکی بر کل آیات سوره‌هاست نه لزوماً آیاتی که شامل گفت و گو هستند.

در قرآن کریم شاهد تنوع در میان مخاطب هستیم و اینگونه نیست که خداوند تنها مخاطبانی خاص؛ یعنی پیامبران خویش را مورد خطاب قرار داده باشد و آنان نیز در قالب دعا و مناجات و گاهی تکلم با پروردگار ارتباط داشته باشند لذا می‌توان شاهد کارکردهای متفاوتی در آیات قرآنی باشیم. بیان این تفاوت‌ها و ارتباطدهی با عناصر متفاوت آیات، از اهداف این پژوهش است.

### ۱-۱- سوالات پژوهش

- ۱- وجه تمایز سوره‌های مکی و مدنی در نوع خطاب مبتنی بر نظریه یاکوبسن چیست؟
- ۲- تفاوت در مخاطب و بافت خطاب چه تأثیری در نقش‌های زبانی و جهت‌گیری خطاب دارد؟
- ۳- میان ساختار جملات و الگوی ارتباطی موجود در قرآن کریم چه رابطه‌ای وجود دارد؟

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش مانند سایر پژوهش‌های علوم انسانی به صورت کتابخانه‌ای است. در واقع روش تحقیق بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و تا حدودی دارای رویکرد آماری است. بدین صورت که پس از مطالعه دقیق کتب و مقالات مرتبط با بحث، مباحث تئوری در یک بخش جداگانه

توصیف می‌شود و در قسمت تحلیل نظریه سوره‌های مکی و مدنی به صورت تطبیقی در انواع خطاب مورد بررسی قرار می‌گیرد و نموداری از این مباحث ارائه می‌شود تا مخاطب دیدی آماری به مسأله داشته باشد.

#### ۱- پیشینه

قرآن کریم از دیرباز و از جوانب مختلف مورد توجه پژوهشگران بوده و درک و دریافت مفاهیم آن ذهن اندیشمندان و علماء را به خود مشغول ساخته است، حتی متناسب با نظریات زبانشناسی نیز آثار ارزشمندی در ارتباط با آن نگاشته شده است. در تطبیق نظریه یاکوبسن در آثار ادبی و متون مختلف، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: آداب مکالمه انسان با خدا بر اساس مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه یاکوبسن (با تکیه بر آثار متثور عرفانی تا قرن هفتم) (نجفی و یزدانی، میرباقری فرد، ۱۳۹۷) نویسندگان در این اثر کلیات مرتبط با نظریه یاکوبسن و برلو را بیان نموده، سپس به تبیین انواع سخن گفتن انسان با خدا اعم از نماز، دعا، مناجات و راه‌های ارتباط خداوند با انسان شامل وحی و الهام پرداخته‌اند. تحلیل و بررسی زبان شناختی خطبه ۲۹ نهج البلاغه بر مبنای نظریه یاکوبسن اثر (آدینه و علیان، ۱۳۹۶) عنوان پژوهش دیگری است که نویسندگان الگوی زبانی یاکوبسن را در ارتباط گفتاری نهج البلاغه مبتنی بر کارکردهای ششگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «نقش‌های زبانی و کارکرد پیام در نامه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن» (انصاری، ۱۴۰۰)، عنوان پژوهش دیگری است که نویسنده با انتخاب نامه‌های متفاوت از امام که خطاب به گیرندگان مختلف ارسال شده است، با بررسی ساخت جملات و جهت‌گیری پیام، سعی در تحلیل کارکرد زبان و تفاوت نقش‌های زبانی با توجه به تفاوت عناصر دخیل در متن دارد. در ارتباط با آثار ادبی نیز موارد بسیاری مشاهده شده است که نمی‌توانند به عنوان پیشینه این بحث تلقی شوند.

از دیگر پژوهش‌هایی مرتبط می‌توان موارد زیر را نام برد: بررسی مشابهت‌های علم معانی (به عنوان یکی از شاخه‌های بلاغت اسلامی) و نظریه ارتباط یاکوبسن با تکیه بر آیات قرآن کریم (

صالحی، ذاکری، ۱۳۹۴) را نام برد که نویسندگان در این پژوهش مشترکات و همپوشانی‌های میان علم معانی و نظریه ارتباط یاکوبسن را بررسی نموده‌اند و مبحث مقتضای حال و جملات خبری و انشایی علم بلاغت را همسان با نظریه یاکوبسن بیان نموده‌اند. در پژوهشی با عنوان «بررسی خطاب در قرآن بر مبنای مدل ارتباطی یاکوبسن با تکیه بر سه مخاطب انسان، بنی آدم و ناس» (درویشی رکنی، گلفام و حاجی خانی، ۱۳۹۹) نویسندگان به صورت نمونه‌وار آیات مرتبط با واژگان فوق را بیان و خطاب و طرفین گفتگو را در آن تعیین نموده‌اند. تحلیل زبان شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی (یعقوبی، زعفرانلو، ۱۳۹۷) عنوان پژوهش دیگری است که نویسندگان به بررسی آیات مرتبط با حمد و شکرگزاری به نظریه یاکوبسن توجه نموده‌اند. تمایز پژوهش حاضر با موارد فوق در این است که تحقیق حاضر تلاش نموده با انتخاب دو گروه از سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم به صورت اختصاصی و نه به صورت کلی نظریه ارتباطی را در آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار دهد و با توجه به اینکه یاکوبسن قدرت متن را وابسته به چند عامل ارتباطی می‌داند و نه یک عامل؛ عوامل گفتگو و خطاب‌ها، اعم از فرستنده، گیرنده و پیام متن را در مجرای ارتباطی قرآن کریم مورد مطالعه قرار دهد و بیش از آنکه بر چگونگی ارتباط تاکید داشته باشد، اصل پیام و محتوای ارتباط را تبیین می‌کند.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- الگوی ارتباطی یاکوبسن و نقش‌های زبان

امروزه نظریه‌ی ارتباطی رومن یاکوبسن یکی از کامل‌ترین طرح‌ها در تبیین ارتباط کلامی است که اهمیتی ویژه در کشف معانی و اهداف در فرآیند ارتباطات اجتماعی دارد. «فرآیند ارتباطات کلامی یاکوبسن معتقد است زبان در فرآیند ارتباطی خود، غالباً گرایش به معنا دارد. افراد و گروه‌ها، متأثر از بافت و موقعیت فردی یا اجتماعی خویش، به اشکال مختلف از نقش‌های زبانی برای انتقال معنا و مفهوم استفاده می‌کنند» (حاتمی، ۱۳۹۲: ۹۳). در نظریه ارتباطی یاکوبسن زبان مرتبط با عوامل درونی آن اعم از گوینده، فرستنده و پیام بررسی می‌شود زیرا فهم معنا نیازمند شناخت همه جانبه زبان است.

نظریه ارتباط یا فرآیند ارتباطی زبان یاکوبسن بر این مسأله اشاره دارد که صرف نظر از هر موضوع زبانی، در فرآیند ارتباط با پیامی روبرو هستیم؛ یعنی پیام محور اصلی ارتباط است. نظریه یاکوبسن ارائه طرحی کلی از نقش‌های زبان، مستلزم بررسی اجمالی عوامل سازنده‌ی هر تحقق گفتاری یعنی هر کنش ارتباط کلامی است. فرستنده، پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای آنکه بتواند مؤثر باشد، باید به موضوعی اشاره کند. موضوع باید برای گیرنده قابل درک باشد و به صورت کلامی مطرح گردد تا بتواند در قالب کلام بیان شود در این میان رمزگانی نیز مورد نیاز است که باید برای فرستنده و گیرنده شناخته شده باشد. سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دوی آنان این امکان را می‌دهد، ارتباط برقرار کنند. این شش عامل حضورشان در ارتباط کلامی ضروری است» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۱). به عبارتی بنابر دیدگاه ارتباطی یاکوبسن، در هر متنی جهت‌گیری به سوی یکی از عوامل ارتباطی بسامد بیشتری دارد. او تأکید می‌کند که ما در متن تنها با یک عامل ارتباطی روبرو نیستیم، بلکه قدرت متن می‌تواند وابسته به چند عامل ارتباطی باشد؛ اما همواره یکی از این عوامل پررنگتر است و می‌تواند از ملاکهای اساسی تعیین‌گونه و سبک متن در نظر گرفته شود. عواملی همچون «چه چیزی را»، «به چه کسی» و «چطور» گفتن در تعیین‌گونه یک متن مؤثرند. درک هریک از این جنبه‌ها در متن باید پیوسته و در کنار هم صورت گیرد (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۶۷). یاکوبسن کارکرد هر یک از عناصر ارتباطی را به دقت شرح داده و هر یک را به نامی خوانده است. او کارکرد فرستنده را عاطفی، کارکرد زمینه را ارجاعی، کارکرد تماس را همدلی، کارکرد کد را فرازبانی، کارکرد گیرنده را کنشی و کارکرد پیام را ادبی نامیده است. در هر ارتباط عناصر متفاوت به شکل کارکردهای متفاوت ظاهر می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۰: ۶۶).

یاکوبسن مسأله حضور نقش‌های اساسی موجود در زبان، توجه به مصداق، گوینده، شنونده، رابطه میان آن‌ها و نهایتاً خود پیام، تحلیل تطبیقی ساخت‌هایی که از طریق تمرکز چشمگیر بر پیام (نقش هنری) یا به عبارت دیگر از طریق بررسی همزمان هنرهای کلامی، موسیقی، نقاشی، رقص، تئاتر و فیلم حاصل می‌شوند، از ضروری‌ترین و ارزشمندترین وظایف علم نشانه‌شناسی می‌داند (ر.ک. یاکوبسن، ۱۳۶۷: ۱۳۶۷).

۴۰). به اعتقاد یاکوبسن تأکید بر هریک از عوامل مؤثر در کنش ارتباطی می‌تواند به ظهور یکی از نقش‌های زبان بینجامد:

۱- کارکرد عاطفی: نقش عاطفی یا بیانی زبان با جهت‌گیری به سمت فرستنده پدید می‌آید و نمایانگر احساس مستقیم گوینده از موضوعی است که درباره‌اش صحبت می‌کند (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۲).

۲- کارکرد ترغیبی: در این کارکرد پیام به سوی مخاطب جهت می‌یابد کارکرد کنشی به سوی دوم شخص گرایش دارد یاکوبسن معتقد است این کارکرد در شعر تعلیمی و مدح نمود می‌یابد. ساخت‌های امری و ندایی از بارزترین نمونه‌های این کارکردند (همان: ۹۳).

۳- کارکرد ارجاعی: در این کارکرد پیام به سوی موضوع (زمینه) جهت می‌یابد. در کارکرد ارجاعی سوم شخص نقش بارزی دارد و بارزترین نمونه این کارکرد در ساخت‌های اخباری می‌باشد (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳ و علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۳).

۴- نقش فرازبانی: در شرایطی که گوینده یا مخاطب احساس کنند باید از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند اطمینان یابند، از زبان برای صحبت درباره خود زبان استفاده می‌کنند و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شوند.

۵- نقش همدلی در این نقش جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی است. هدف اصلی برخی از پیامها این است که ارتباطی را برقرار کنند، آن را ادامه دهند، قطع کنند.

۶- نقش ادبی: در این کارکرد جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است و توجه مخاطب بیش از محتوا، به شکل پیام جلب می‌شود. اگر شکل انتقال پیام بیشتر از بار اطلاعیاش ارزش داشته باشد، توجه به خود پیام معطوف می‌شود (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۴). در ادامه بحث برای روشن شدن پیام و مضمون محوری کلام، بررسی عناصر زبانی متن و در نهایت تبیین کارکردهای زبانی در آیات قرآن کریم با توجه به تفاوت فرستندگان و گیرندگان کلام مباحث را منطبق با مولفه‌های ارتباطی یاکوبسن بیان می‌کنیم و نمونه‌هایی از سوره‌های مورد بحث را ذکر نموده و مرتبط با آن به تحلیل محتوای آیات می‌پردازیم؛ تا در نهایت نحوه ارائه پیام و نقش زبان و تفاوت میان دو گروه از آیات مشخص گردد.

### ۳- بررسی نقش‌های زبانی در سوره‌ها

فضای کلی سوره مریم سراسر انذار و بشارت است. خداوند در این سوره برای نفی فرزند از خود، داستان حضرت زکریا و یحیی علیهما السلام را بیان می‌کند و برای بیان اصل رستاخیز و قیامت داستان حضرت ابراهیم، عیسی و موسی علیهم السلام را بیان می‌کند. سه گروه در این سوره مورد خطاب بوده و پیام به سوی آنان فرستاده شده است. نخست: پیامبران الهی که اهل هدایت بودند. دوم اهل گمراهی، آنهایی که رشد و هدایت نمی‌شدند و سوم کسانی که توبه کردند و عمل صالح انجام دادند و اهل نعمت و رشد شدند. فرستنده حقیقی خداوند متعال است، ولی متناسب با داستان کلام و خطاب چندین فرستنده دارد؛ گاه از زبان پیامبر بیان می‌شود و گاه از زبان قوم و همکیشان. سوره طه نیز همانند سوره مریم پیام انذار را از طریق تذکر و یادآوری القا می‌کند ولیکن آیات تبشیر نیز در میان آن دیده می‌شود. در این سوره داستان هلاکت طغیانگران و تکذیب کنندگان آیات خداوند بیان شده که مخاطب را معترف بر توحید و یگانگی خداوند متعال می‌کند. در آیات نخستین مخاطب اصلی پیامبر اکرم است که خداوند او را در انجام رسالتش دلداری می‌دهد و در ادامه با بیان داستان‌هایی؛ حضرت موسی و هارون مورد خطاب خداوند متعال قرار می‌گیرند که در ادامه متناسب با نظریه پاکوبسن به بیان آن پرداخته می‌شود.

سوره نور سوره‌ای مدنی است که خداوند در آن به بیان احکام شرعی پرداخته و سپس معارف الهی مرتبط با آن را بیان نموده است. در واقع این سوره تذکر بر مومنان است. خداوند در این سوره احکام فقهی و وجوب حجاب زنان و مسأله مربوط به تهمت، نکاح و اشاعه فحشا را بیان کرده است. خطاب در این سوره متوجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مومنان است. سوره احزاب نیز به بیان احکام و معارف الهی پرداخته و مسائل مرتبط با جنگ خندق نیز در آن بیان شده و در نهایت مواعظی در بردارد. در واقع مقررات و قوانین زندگی را برای نظم بخشی به زندگی اجتماعی را در بردارد. همچنین خداوند متعال در این سوره حادثه جنگ احزاب و نصرت‌های غیبی بر مومنان را بیان نموده است و در نهایت جایگاه پیامبر را بیان نموده است و مسأله امانت بر دوش انسان را یادآور

شده است. خداوند فرستنده پیام به حضرت پیامبر است ولی در میان آیات مومنان و همسران پیامبر نیز مورد خطاب قرار گرفته و خداوند با معرفی همسران پیامبر، به عنوان الگو، مسائل حجاب و سایر قوانین اجتماعی را بیان می‌فرماید. ولیکن این خطاب‌ها به صورت مستقیم نبوده بلکه مخاطب اصلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

۳-۱- کارکرد عاطفی: زبان حال گوینده است و بیانگر احساس و عاطفه اوست. در سوره‌های مورد مطالعه، آیاتی که خداوند از زبان پیامبران یا حضرت مریم بیان نموده؛ نمایانگر کارکرد عاطفی است؛ زیرا در کارکرد عاطفی احساسات شخصی و فردی گوینده بیان می‌شود که در مورد خداوند متعال مورد بررسی نیست. در آیات ابتدایی سوره مریم: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم: ۴). «گفت پروردگارا من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار من هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام». حضرت زکریا به عنوان گوینده پیام با نقش عاطفی؛ است زیرا گوینده احساس درونی و حالات خود را در ارتباط با موضوع فرزند آوری بیان می‌دارد. کاربرد ضمیر متکلم نیز موجب تقویت این کارکرد در این آیه شده است. در ابتدای آیه نیز با تعبیر رب، خداوند را مورد خطاب قرار داده تا محبت و لطف او را جلب نماید که این ندا کارکرد ترغیبی دارد.

این آیه دعا و درخواست حضرت زکریا از خداوند باری تعالی است. «در واقع زبان دعا بر خلاف زبان روزمره که اطلاع دهنده صرف است، زبانی عاطفی است که هم بیان‌کننده و هم برانگیزاننده احساس در گوینده است. زبان دعا برخلاف زبان متعارف، زبانی موجز و فشرده است و اندیشه را توأم با احساسات و با عباراتی کوتاه و فشرده بیان می‌کند. زبان دعا، بواسطه قاعده افزایی و قاعده کاهی است که برجسته می‌شود» (حری، ۱۳۸۷: ۸۲). کارکرد عاطفی موجود در اسلوب دعا نمود یافته است.

هرچند جملات خبری که قابل صدق و کذب هستند، در زمره کارکرد ارجاعی کلام قرار می‌گیرند ولیکن ممکن است جمله در قالب خبر، ولی برای تحریک محبت و احساس ترحم و دلسوزی

مخاطب و یا معانی ثانویه دیگر بیان شده باشد. در واقع باید گفت تداخل کارکرد در میان آیات مشاهده می‌شود یعنی از منظری می‌توان آیه را عاطفی و از سوی دیگر با توجه به ساخت نحوی دارای نقش ترغیبی دانست. با توجه به اینکه پیام آیات اصل است، بیش‌تر توجه بر مفهوم عبارات متکی است نه ساختار نحوی آن. مثل این آیات که به شرح داستان حضرت زکریا(ع) و ادب ایشان هنگام طلب فرزند از خداوند می‌پردازد؛ روشن است منظور از جملات آغاز آیه که به صورت خبری بیان شده‌اند، آگاه کردن خداوند از پیر شدن حضرت و سستی استخوان ایشان نیست؛ بلکه این آیه مقدمه‌ای برای درخواست حضرت زکریا(ع) است. در این آیه فرستنده پیام با نقش عاطفی حضرت زکریا است و آیه، نمایانگر احساس مستقیم‌گاوینده از موضوعی است که درباره اش صحبت می‌کند. علامه طباطبایی معتقد است: حاجتش به داشتن فرزند حاجتی است مبرم و حیاتی و برای بیان آن خداوند را مورد خطاب قرار داده پروردگارا! من همواره به سبب دعای خود قرین سعادت بوده‌ام و هر وقت تو را می‌خواندم اجابت می‌فرمودی، بدون اینکه مرا شقی و محروم سازی. و یا این است که: پروردگارا من هیچ وقت در دعای خود از ناحیه تو محروم و خائب نبوده‌ام، مرا به اجابت کردند عادت داده‌ای و هر وقت تو را می‌خواندم قبول می‌نمودی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۷). ایشان همچنین پس از استجابت دعا مکرر در نقش عاطفی‌گاوینده خداوند را مورد خطاب قرار داده و به بیان احساس شگفتی و تعجب خود می‌فرماید: « قَالَ رَبُّ أُنَى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا » (مریم: ۸) « گفت پروردگارا چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زخم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده‌ام ». در این عبارت همانگونه که علامه طباطبایی بیان داشته است. این تعجب خاصیت بشریت است، و با ایمان به قدرت خدا منافات ندارد و در حقیقت استفسار از خصوصیات آن است، نه انکار ایشان معتقد است به وسیله این پرسش حضرت زکریا اضطراب درونی خویش را ساکن و آرام می‌کند (ر. ک. همان ج: ۱۴: ۲۰). از این رو لزوماً آنچه در زبان‌شناسی به عنوان ساختارهای نقش عاطفی در نظر گرفته شده است نشان‌دهنده این کارکرد زبان نیست، بلکه ساختارهای دیگر با توجه به بافت کلام می‌تواند این نقش را داشته باشد.

بیان حالات احساسی از سوی گوینده در واقع با هدف همدردی و هم‌زبانی صورت می‌گیرد حتی اگر شنونده پاسخی ندهد. به عبارت دیگر «انسان در موارد بسیاری زبان را برای بیان حالات عاطفی شخصی و تحلیل احساسات فردی خود و نه لزوماً به منظور ایجاد ارتباط با دیگری به کار می‌برد؛ بنابراین، در این موارد به واکنش شنوندگان احتمالی توجهی ندارد؛ یعنی بر خلاف کاربرد زبان روزمره از آنها انتظار رفتار متقابل و حتی تفاهم ندارد و گویی که در تنهایی با خود سخن می‌گوید (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۵۷). آیه ۱۸ تا ۲۳ از سوره مریم نیز بیانگر کارکرد عاطفی زبان است. در گفتگوی میان حضرت مریم و فرشته حق، ایشان وقتی با مرد بیگانه‌ای روبرو می‌شود که به خلوتگاهش راه یافته، دچار وحشت می‌شود و می‌گوید: « قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا » (مریم: ۱۸) « [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم ». این کلام بیانگر احساس فرستنده پیام به مخاطب است و حضرت مریم پس از شنیدن عبارت « إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا » (مریم: ۲۰) « گفت من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم » که دارای کارکرد ارجاعی است « می‌گوید « أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَعْثًا » و پس از شنیدن بشارت جبرئیل دچار نگرانی شده و در قالب جمله استفهامی تعجب و حیرت خود را بیان می‌کند. در حقیقت جمله انشائی در اینجا کارکرد ثانویه یافته و بیش از آنکه متوجه مخاطب باشد بیانگر حالت گوینده کلام است. هرچند یاکوبسن می‌گوید: لایه صرفاً عاطفی زبان در عبارات تعجبی تجلی می‌یابد (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۲). اما این عبارت ساختار تعجب ندارد، اما در معنای تعجب است و در دنیای بیرونی قابل صدق و کذب نیستند؛ زیرا پیام در ارتباط با خود گوینده است و گوینده به انتقال احساسات و عواطف و احوال درونی خویش پرداخته و به گونه‌ای حدیث نفس می‌کند.

از دیگر نمونه‌های کارکرد عاطفی آیات در سوره طه کلام حضرت موسی و هارون با خداوند متعال است. در عبارت « قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعَى » (طه: ۴۵) « آن دو گفتند پروردگارا ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند ». پس از اینکه حضرت موسی و هارون مورد خطاب خداوند متعال واقع شدند و مأمور بر دعوت فرعون به یکتاپرستی شدند، خطاب

به خداوند و در قالب جمله خبری و بکار بردن ضمایر متکلم به بیان نگرانی خود از عدم پذیرش فرعون یا مخالفت او پرداخته و احساسات درونی خود را اظهار می‌کنند. جمله ابتدایی و عبارت ندا به گونه‌ای طلب استمداد بوده و با اغراض ثانوی انشاء و با نقش ترغیبی زبان متناسب با نظریه یاکوبسن مرتبط است؛ زیرا پیام در چنین حالتی جهت‌گیری به سمت مخاطب دارد و در پی جلب مشارکت مخاطب است. کارکرد عاطفی زبان در هر نوع متنی که نویسنده در پی بیان احساسات خویش است (بی‌آنکه منتظر پاسخی از سوی مخاطب باشد) این کارکرد آشکار می‌شود اعم از متون ادبی (شعر غنایی، قصه کوتاه، رمان) زندگی‌نامه و ... (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۳).

در این نوع کارکرد، فرستنده به دنبال ترسیم احساسات و عواطف خود بوده بنابراین این نوع از کارکرد زبان را در میان آیات مکی مشاهده نمودیم که فرستندگان کلام در آن متنوع بودند و چون بیان عواطف و احساسات درونی از ویژگی‌های انسانی است، در میان آیاتی که از زبان خداوند متعال است، چنین کارکردی را نمی‌توان یافت، چرا وجود باری تعالی مبری از چنین اوصافی است. نگرانی حضرت مریم و تعجب او از صاحب فرزند شدن، ناراحتی و نگرانی حضرت زکریا از بی‌فرزند ماندن و نگرانی حضرت ابراهیم از عدم ایمان پدرش نمونه‌ای از مواردی بود که در سوره مریم شاهد آن بودیم. دغدغه و دلهره حضرت موسی پیام مهمی است که در جای‌جای آیات سوره طه مشاهده شد، همچنین نگرانی مادر او برای عمل به فرموده خداوند در رها کردن فرزندش درون آب، نگرانی و ناراحتی حضرت هارون از پرستش گوساله توسط قومشان نمونه‌هایی از این کارکرد را به تصویر کشیده است.

### ۳-۲- کارکرد ارجاعی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی موضوع پیام است. صدق و کذب گفته‌هایی که از نقش ارجاعی برخوردارند به دلیل آنکه جملات اخباری به شمار می‌روند، از طریق محیط امکان‌پذیر است. یاکوبسن بر این نکته تأکید دارد که تمایز میان نقش ترغیبی و ارجاعی از طریق امکان تشخیص صدق یا کذب گفته مشخص می‌گردد و جملات اخباری زبان تماماً از نقش ارجاعی برخوردارند. لاینز این نقش را توصیفی و بولر آن را بیانی می‌نامد (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۳). نمونه‌هایی از این کارکرد را در ادامه ذکر می‌کنیم.

غالب جملات اخباری در سوره‌های مکی حول موضوع یکتاپرستی و وحدانیت الهی است. یعنی توحید مهم‌ترین موضوعی که در مرکزیت قرار می‌گیرد. برای مثال آیه « إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا » (طه: ۹۸) « معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست و دانش او همه چیز را در بر گرفته است » کارکرد ارجاعی پیام را به تصویر می‌کشد، بدین سان که بیانگر جمله‌ای بر اثبات توحید ذات کبریائی است و مسأله مهم توحید و وحدانگی را بیان می‌کند. به این صورت که شایسته حمد و ثنا فقط آفریدگار جهان و مستحق عبودیت است که همه چیز تحت علم و احاطه اوست. موضوع و پیام در این آیه به حدی مهم است که خداوند در لطیف‌ترین عبارت و با استدلال و به کارگیری اسلوب حصر آن را بیان نموده است. فرستنده پیام حضرت موسی علیه السلام و گیرنده پیام قوم بنی اسرائیل است، پس از اینکه قومش را در حال عبادت گوساله سامری دید، به شدت ناراحت شد و آنان را مورد خطاب قرار داده و حقیقت وجودی و وحدانیت خداوند متعال را در قالب جمله‌ای موکد بیان داشت.

همچنین است پیام نفی شرک از خداوند متعال و نفی فرزنددار بودنش در آیات ۸۸ تا ۹۲ از سوره مبارکه مریم «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا، لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا، تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا » (مریم: ۸۸-۹۲) « و گفتند [خدای] رحمان فرزندى اختیار کرده است، واقعا چیز زشتی را [بر زبان] آوردید چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوهها به شدت فرو ریزند » این آیات پیام مهمی را در قالب جملات خبری بیان می‌دارد. خداوند به عنوان فرستنده پیام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گیرنده پیام است ولیکن بت پرستان و مشرکان به صورت غیر مستقیم مورد خطاب قرار گرفتند؛ خداوند کلام مشرکان در مورد نسبت ناروا را به پیامبر اکرم فرمود. عبارت دارای کارکرد ارجاعی است؛ زیرا موضوع مطرح شده در عبارت کانون توجه و عنایت است. در این آیات خداوند متعال احتجاج بر نفی فرزند داشتن خویش نموده و در ادامه در مقام تحلیل بزرگی گناه و زشتی کلامشان برآمده است؛ زیرا چنین کلامی نسبتی ناروا و مخالف با اصل توحید است. یا جمله جهت یادآوری مسأله قیامت و حقانیت آن است همانند آیه «إِنَّ

السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه: ۱۵) «در حقیقت قیامت فرارسنده است می‌خواهم آن را پوشیده دارم تا هر کسی به [موجب] آنچه می‌کوشد جزا یابد» خداوند متعال بعد از ذکر توحید و وحدانگی خداوند متعال بر مسأله قیامت پرداخته و با جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام یعنی مسأله مهم قیامت در کارکردی ارجاعی بیان شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه مشرکان با ضمیر جمع مورد خطاب قرار گرفتند، نقش زبان، سرزنش آن‌هاست.

خداوند متعال در آیه « إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲) «ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود» پیام مهمی را با جمله خبری بیان نموده و مسیولیتی که بر انسان سپرده، یادآور گردیده است. با استفاده از کلام علامه طباطبایی به بیان پیام عبارت که در مرکزیت است می‌پردازیم: آن این است که مراد از امانت مزبور کمالی باشد که از ناحیه تلبس و داشتن اعتقادات حق و نیز تلبس به اعمال صالح و سلوک طریقه کمال حاصل شود به اینکه از حضيض ماده به اوج اخلاص ارتقاء پیدا کند و خداوند انسان حامل آن امانت را برای خود خالص کند، پس مراد از امانت عبارت شد از ولایت الهی، و مراد از عرضه داشتن این ولایت بر آسمانها و زمین و سایر موجودات مقایسه این ولایت با وضع آنهاست. و معنای آیه این است که: اگر ولایت الهی را با وضع آسمانها و زمین مقایسه کنی، خواهی دید که اینها تاب حمل آن را ندارند و تنها انسان می‌تواند حامل آن باشد، و معنای امتناع آسمانها و زمین، و پذیرفتن و حمل آن به وسیله انسان این است که در انسان استعداد و صلاحیت تلبس آن هست، ولی در آسمانها و زمین نیست (طباطبایی، ج ۱۶: ۵۲۶).

در مقایسه سوره‌ها در این نوع نقش زبانی نیز میزان کاربرد در هر دو نوع قابل توجه است، هم سوره‌های مکی و هم مدنی دارای جملات خبری بسیاری هستند که نقش ارجاعی در آن‌ها بسیار ملحوظ است. اما کاربرد این جملات در سوره‌های مکی بیش‌تر از مدنی جایگاه دارد؛ زیرا سوره‌های مدنی در میان انواع کارکردهای ادبی به استثنای کارکرد ادبی که غالباً کاردی ثانوی است؛ بیشتر به بیان

جملات ترغیبی می‌پردازند، چرا که خداوند متعال در این آیات قوانین اجتماعی و احکام را بیان می‌دارند و در ضمن آیات، بر انجام برخی امور امر و ترک برخی امور امر می‌کنند تا جامعه‌ی برپاشده مبتنی بر دین اسلام، جامعه‌ای کامل باشد. ولیکن خالی از این نوع کارکرد نیستند؛ چرا که خطاب‌هایی که جهت‌گیری پیام در آن‌ها به سوی موضوع باشند، کم نبوده و خداوند موضوعات مهم را در هر دونوع از سوره‌ها بیان داشته است.

### ۳-۳- کارکرد همدلی

هدف اصلی برخی از پیام‌ها این است که ارتباط را برقرار کنند، ادامه دهند یا آن را قطع کنند، برخی پیام‌ها با این هدف فرستاده می‌شوند که گوینده می‌خواهد توجه مخاطب خود را جلب کند یا مطمئن شود او همچنان به گفته‌هایش توجه دارد (یاکوبسن، دیوید، ۱۳۹۴: ۷۵). مرجع پیام همدلانه خود ارتباط است، همان‌طور که مرجع پیام هنری خود پیام و مرجع پیام عاطفی خود فرستنده است (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۳). برای این کارکرد زبان می‌توان آیات « وَمَا تَلَكَّ يَمِينُكَ يَا مُوسَى، قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى » (طه: ۱۸) «گفت این عصای من است بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکانم و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید» را نمونه آورد زیرا کلام به هیچ وجه کارکرد ارجاعی نداشته و مجرای ارتباطی، هدف کلام بوده است. استفهام موجود در آیه، استفهام تقریری است و هدف خداوند از این استفهام متوجه ساختن حضرت موسی از اوصاف چوب خشک و بی‌جان است و فرستنده حضرت موسی به منظور ادامه ارتباط، جلب توجه مخاطب، از این عبارات استفاده می‌کند و پاسخ سوال را بیشتر از حد طولانی می‌کند، سوالی که در غرض اصلی خود بکار نرفته است. در واقع احساس لذت از اینکه خداوند متعال مخاطب گفتار است و به سخنان حضرت موسی گوش می‌دهد، سبب شده تا پاسخ سوال را طولانی کند این در حالی است که پیام نه متوجه گیرنده است و نه فرستنده و نه پیام؛ بلکه خود ارتباط در کانون توجه قرار گرفته است.

این نوع از کارکرد زبانی در آیات بسیار کمی مشاهده می‌شود، زیرا برقراری تماس و اطاله آن غالباً میان افرادی صورت می‌گیرد که در رتبه و درجه همسان یا نزدیک به هم باشند. با توجه به اینکه در غالب عبارات خداوند به عنوان فرستنده یا گیرنده هست، و ذات اقدس الهی بالاتر از کل عوالم است، چنین کارکردی بسیار مشهود نیست.

### ۳-۴- کارکرد ترغیبی

هنگامی ارتباط بر گیرنده متمرکز باشد، کارکرد ترغیبی برتری می‌یابد. در میان آیات مدنی، غالباً خداوند، فرستنده و انسان، گیرنده پیام است. هدف از خطاب الهی، ایجاد ترغیب و کنش در مخاطب است تا انگیزه حرکت به سوی خدا در وجودش پیدا شود. در این رابطه خداوند با دادن آگاهی و آموزش و وعده‌های نیکو، در بندگان مهارت، دانش و انگیزه لازم برای برقراری ارتباط را ایجاد می‌کند. ترغیب در بندگان خاص بهتر نمود می‌یابد، به همین منظور است که مخاطب اصلی اکثر آیات در سوره‌های مکی پیامبران الهی هستند. برای مثال: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (مریم: ۳۹) « و آنان را از روز حسرت بیم ده آنگاه که داوری انجام گیرد و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سر ایمان آوردن ندارند » آیه مورد نظر دارای اندازی است که مخاطب را نسبت به موضوع مهمی مورد خطاب قرار می‌دهد و خداوند به عنوان متکلم با وصف حکمت خویش، مسائل را برایش شرح می‌کند. در این عبارت، جهت پیام به سوی مخاطب است و در ظاهر خداوند، پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده اند، ولی در حقیقت خطاب بر همه بندگان است. پیام عبارت، انذار و هشدار است به مخاطب که خداوند متعال جهت هدایتگری و بیدار ساختن مخاطب بیان نموده‌اند. خداوند در این عبارت از پیامبر می‌خواهد مردم را نسبت به روز حسرت انذار دهد روزی که کار یکسره می‌شود. بنابراین، عبارت دارای کارکرد کنشی است. یا در آیات ۲ تا ۴۴ سوره مبارکه طه کارکرد کنشی و ترغیبی کلام بدین گونه است که گفتگویی میان خداوند و حضرت موسی و برادرش صورت گرفته است گوینده کلام خداوند متعال است و شنونده پیامبران الهی هستند و جهت گیری پیام به سوی مخاطب است برای انجام رسالت پیامبری‌شان. انسان‌ها با گرایشهای اعتقاداتی خود به

دسته‌های مختلف مومن، منافق، کافر و... تقسیم میشوند و در انذارها و هشدارهای متعدد مورد خطاب خداوند متعال قرار می‌گیرند خداوند متعال در این آیه انذار خود را از زبان پیامبرانش بیان نموده و می‌فرماید: «أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِينَا فِي ذِكْرِي أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيْتِنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه: ۴۲) «تو و برادرت معجزه‌های مرا [برای مردم] ببرید و در یادکردن من سستی نکنید» پیام آیات مورد نظر نیز بر هدایتگری متمرکز است که با خطاب قرار دادن حضرت موسی و هارون نمایانگر می‌شود. در آیات مورد نظر خداوند متعال، استفاده از عبارات امری با کارکرد اولیه خود در ساخت نحوی، نقش ترغیبی دارد چون جهت پیام به صراحت به سوی مخاطب است تا خداوند متعال با دادن آگاهی و نحوه انجام کار ترغیب و کنشی در حضرت موسی و هارون ایجاد نماید که آنان به سوی انجام رسالت خویش حرکت کنند و انگیزه ایمان به خداوند متعال را در فرعون ایجاد کنند. در برخی نمونه‌ها کارکرد ترغیبی کلام متناسب با ساختار نحوی یعنی فعل امر، با امر غایب بر مخاطب القا شده است برای مثال در آیه «وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْزِبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۳۳) «و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند و از میان غلامانتان کسانی که در صدقند با قرارداد کتبی خود را آزاد کنند اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید قرار باز خرید آنها را بنویسید و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند] و کنیزان خود را در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویند به زنا وادار مکنید و هر کس آنان را به زور وادار کند در حقیقت خدا پس از اجبار نمودن ایشان [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است» خداوند مسأله مهم عفت ورزی توسط کسانی که ازدواج نکرده‌اند، بیان می‌کند.

اما در آیات مدنی ترغیب هم مستقیماً بر خود مومنان صورت گرفته هم به صورت غیر مستقیم و از زبان پیامبر اکرم. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» (احزاب: ۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید نعمت خدا را بر خود به یاد آرید آنگاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند پس بر سر آنان تندبادی و لشکریایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست» مومنان به عنوان گیرنده پیام مورد خطاب الهی قرار گرفتند و خداوند آن‌ها را بر یادآوری نعمت پیروزی در جنگ احزاب ترغیب نموده تا در آزمایش‌های مختلف زندگی، خداوند و عنایات او را یادآور شده و دلگرم شوند. در این عبارات نیز کاربرد فعل امر در معنای اصلی خود، جهت پیام را متوجه مخاطب کرده است، برخلاف آیه ( يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ) (۳۰ و ۳۴: احزاب )، «ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر خدا همواره آسان است» که اگرچه اسلوب ندا بکار رفته و با خطاب نقش ترغیبی به کلام بخشیده اما عبارات بعدی در قالب جمله شرطی بیان شده و بصورت غیرمستقیم مخاطب را از عمل زشت باز می‌دارد. در آیه « أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا » (احزاب، ۲۸) «ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیایید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم» خود پیامبر مخاطب است تا پیامی را به همسرانشان انتقال دهد که به سبب همراهی با پیامبر و صبر بر سختی‌ها خداوند پاداشی برایتان مهیا ساخته است. اما در این آیه جهت‌گیری پیام به سوی همسران پیامبر بوده زیرا آنان به عنوان الگو برای تمام زنان بوده و خداوند متعال فرستنده پیام، آنان را از انجام گناهان نهی نموده است؛ زیرا عذاب برای آنان دو چندان خواهد بود. در ادامه برابری زنان پیامبر با سایرین را نفی نموده و آنان را بر انجام برخی امور امر و از انجام برخی دیگر نهی نموده و علو مقام و رفعتشان را منوط بر تقوای آنان نموده نه به سبب انتسابشان بر پیامبر صلی الله علیه و سلم. عدم تبرج، برپاداشتن نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مواردی است که خداوند در پیام آیه بر آن ترغیب نموده است.

کارکرد ترغیبی زبان، در سوره‌های مدنی خطاب متوجه پیامبر اکرم، امت او یا مومنانی است که ایمان آورده و یکتاپرست هستند و برای تقرب به ذات باری تعالی ملزم به انجام اوامر و ترک اموری

هستند که خداوند متعال در غالب جملات امری به بیان آن پرداخته است. در سوره‌های مکی نیز جنبه ترغیبی کلام را از زبان پیامبران می‌بینم که در غالب عبارات دعایی با خداوند متعال ارتباط برقرار می‌کنند و در مواردی که فرستنده خداوند متعال است، جملات امری به کار رفته است. در آیه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى» (طه: ۱۱۶) و «[یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند» فرستنده پیام خداوند متعال است و در سیاق جمله امر، ملائکه را مورد خطاب قرار داده و مساله سجده بر آدم را مطرح می‌کند. جنبه ترغیبی کلام را در گفتگوی میان حضرت موسی و ساحران نیز مشاهده نمودیم در آیه «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه: ۶۶) «گفت [نه] بلکه شما بیندازید پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی‌هایشان بر اثر سحرشان در خیال او [چنین] می‌نمود که آنها به شتاب می‌خزند» عبارت «الْقُوا» فعل امر در این موارد با هدف توجه بر پیام عبارت یعنی اظهار عظمت خداوند یکتا برای بطلان وجود سایر خدایان است. یا در مواردی همچون آیه «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى» (طه: ۱۲۰) «پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم» کلام از جانب شیطان است و گیرنده حضرت آدم علیه السلام است که با کارکرد ترغیبی کلام قصد فریب حضرت آدم را دارد. یا خداوند، ملائکه را مورد خطاب قرار دادند. جنبه ترغیبی کلام در سیاق نهی از آیه «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم: ۴۴) مشهود است که فرستنده حضرت ابراهیم و گیرنده پدرشان هستند. جنبه ترغیبی در سوره‌های مکی متنوع‌تر از سور مدنی است.

### ۶-۳- کارکرد فرا زبانی: این کارکرد وقتی کاربرد دارد که زبان برای صحبت درمورد خود زبان

به کار گرفته می‌شود و واژگان یا عبارات برای شرح و توضیح کلمه قبل استفاده می‌شوند. آیه «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۶) را می‌توان ضمن این کارکرد ذکر نمود. ذکر عبارت یرثنی در ادامه آیه پیشین در واقع توضیح و تفسیری بر این مطلب است که منظور حضرت زکریا از ولی، فرزند است. کلمه ولی دارای مصادیق متعددی است و به وسیله قرینه

معنای آن درک می‌شود. مفسرین نیز در بیان آیه اختلاف نظراتی داشته و آن را ارث نبوت می‌دانند ولیکن متناسب با آیات بعدی عبارت یرثنی و یرث... دقیقاً اشاره بر معنای فرزنددار شدن دارد. «مضمون آیه صریح است در اینکه زکریا (ع) از پروردگار فرزند صالح و منزّه از خلق نکوهیده درخواست نمود و در آیه (فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي) همین حقیقت و دعا را بجمله (یرثنی) تعبیر نموده است گرچه ولی به معنای سرپرست و جانشین و معنا چند دیگر برای آن تصور می‌رود ولی به قرینه آیه ذریه طیبه صریح است در خصوص فرزند پسر که لازم عرفی آن وراثت از پدر است که بنظر عرف هر فرزند جانشین پدر خود خواهد بود و آنچه از علاقه مالی و اجتماعی واجد است مانند مال و منال و ثروت و نفوذ و فرمانروائی باو انتقال مییابد بر این اساس مفاد جمله یرثنی وراثت عرفی و عادی که فقط مال و ثروت و فرمانروائی میباشد و جمله یرثنی قرینه آنستکه مراد از ولایت خصوص جانشینی فرزند از پدر بنظر عرف در باره مال و ثروت و فرمانروائی میباشد» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰: ۳۵۳، طباطبایی، ج ۱۴: ۱۵۰). آیه مورد نظر توضیح و شرحی بود برای بیان معنای اصلی کلمه ولیاً در آیه پیشین و جهت گیری پیام در این آیه به سوی خود پیام بوده نه بر فرستنده یا گیرنده.

همچنین است آیه «إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَكَأَ تَعْرَى» (طه: ۱۱۸) «در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی» که تفسیر و ترجمه کلمه «شقاء» در آیه پیشین «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَكَزَوَّجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷) «پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی» مورد اختلاف میان مفسران است و معنای بدبختی و تیره بختی به اشتباه برای آن از سوی مفسران ذکر شده است. طبرسی متناسب با اینکه فقط حضرت آدم در کلمه «تَشْقَى» مورد خطاب قرار گرفته نه هر دو می‌گوید: با این که آدم و حوا هر دو از بهشت اخراج شدند و فعل اخراج به هر دو نسبت داده شده است، علت این که فعل «تَشْقَى» تنها به آدم نسبت داده شده این است که منظور از شقاوت در این جا تعب و رنج در طلب قوت و غذا و زحمت کار است (که یکی از معانی شقاوت می‌باشد) و این امر هم تنها بر عهده مرد است. یعنی دوندگی برای رفع حوائج

زندگی و تحصیل معاش بر عهده مرد است (طبرسی، ۱۳۷۵: ج ۴: ۱۱۳). متناسب با آیه «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى» کلمه شقاء به معنای تعب و رنج و سختی است. ذکر این عبارت در ارتباط میان خداوند و پیامبر اکرم برای توضیح کلمه پیشین بوده و از زبان برای شرح زبان و توضیح واژه به کار رفته در آیه پیشین استفاده شده است.

آیه «وَلَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱) و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم دیدگان خود مدوز و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است « نمونه دیگری است که کارکرد فرازبانی را در عبارت زهره الحیاء الدنیا می‌توان بیان نمود؛ زیرا این عبارت شرح و توضیحی است بر جمله قبل، یعنی (ما متعنا به) طباطبایی در تفسیر آیه بر کارکرد فرازبانی پیام اشاره داشته و می‌گوید: زهره الحیاء الدنیا " به منزله تفسیر است بر جمله " ما متعنا به" و کلمه " زهره" منصوب به فعلی است در مقدر و تقدیر آن "نعنی به- و یا جعلنا لهم- زهره الحیاء الدنیا" است و مقصود از " زهره حیات دنیا" زینت و بهجت آن است و کلمه " نفتنهم" از فتنه است که به معنای آزمایش و سنجیدن است و مراد از جمله " رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى" به قرینه مقابله با زهره حیات دنیا عبارت است از رزق حیات آخرت که معلوم است هم بهتر است و هم ماندنی‌تر (طباطبایی، ج ۴: ۱: ۳۳۴). علامه در تفسیر عبارت، واژه «نعنی» رو به کار برده که به زیبایی مفهوم عبارت را می‌رساند.

کارکرد فرازبانی را در میان سوره‌ها کمتر یافتیم به ویژه در سوره‌های مدنی مورد بررسی با توجه به اینکه مخاطبان، مومنان هستند، تمامی عبارات و کلمات بدون نیاز به تفسیر و توضیح، به صورت صریح بیان شده است تا مومنان که مورد خطاب قرار گرفته‌اند، مفهوم آیات را به راحتی دریابند. در حقیقت اختلاف معنا داری از این نوع نقش زبانی در دو گروه سوره‌ها احساس نمی‌شود.

### ۳-۶- کارکرد ادبی یا زیباشناختی

یاکوبسن این کارکرد را همچون رابطه میان پیام و خودش تعریف می‌کند. نمونه برجسته کارکرد زیباشناختی در آثار هنری دیده می‌شود، جایی که مرجع پیام خود پیام است و این پیام دیگر ابزار

ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است. هنر و ادبیات پیام - موضوع‌هایی را می‌آفرینند که به مثابه موضوع و ورای نشانه‌های بی واسطه‌ای که متضمن آن موضوع هستند، دلالت‌های خاص خود را دارند (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۲). این کارکرد، توجه ما را به ساختار نحوی، زبان ادبی و الگوهای آوایی نهفته در خود پیام جلب می‌کند تأکید بر خود پیام جنبه‌های شاعرانه و زیبایی آفرینی زبان را برجسته می‌کند (علوی مقدم، ۱۳۷: ۲۳۵)؛ البته باید گفت در مورد کلام حق اینکه کلام صرفاً با کارکرد ادبی و برانگیختن حس زیبایی در مخاطب بیان شده باشد، نمی‌تواند صحیح باشد. انتقال معنا در قرآن بی شک اولویت اول خالق اثر یعنی خداوند متعال است؛ که قرآن کتاب زندگی و حاوی دستورات دقیق بشر در حوزه‌های مختلف حیات است؛ از این رو مضمون از اهمیت اولیه برخوردار بوده است اما به واسطه تأثیرگذاری بر مخاطب و انتقال ماندگار، خداوند کلام خود را زیبا و اثرگذار بیان کرده است، لذا طبیعی است که دارای زیبایی‌های ادبی نیز باشد. در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از هر دو نوع سور مکی و مدنی به تبیین زیبایی شناختی موجود در آیات می‌پردازیم برای مثال: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱) و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم دیدگان خود مدوز و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است «فرستنده پیام، خداوند متعال و گیرنده پیامبر اکرم است و زیبایی کلام در قالب زبان کنایی و تشبیهی نمود می‌یابد و به خوبی مسأله‌ی توجهی به دنیا و مادیات از عمق آرایه‌های ادبی دریافت می‌شود. زیبایی تناسب میان مشبه و مشبه به سبب توجه افزون مخاطب شده است و پیام مرکز توجه خداوند متعال در قالب زبانی تشبیهی جلوه‌ای بارز یافته است. نهی از مدّ عین بدین سبب است که نگاه طولانی به هر چیز کنایه از شدت علاقه و محبت به آن است و جمله " زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" دارای تشبیه تمثیلی است چرا که نعمت‌های دنیا به شکوفه تشبیه شده‌اند که زیبایی دارند ولی به زودی پژمرده می‌شوند و معنای آیه این است که چشم خود را به زینت حیات ما بر گروهی از مردم برای امتحانشان اختصاص داده‌ایم مدوز. خواننده در این آیات تأمل می‌کند تا زیبایی‌های متن ادبی را درک کند و معنا را هم سو با آرایه‌های زیبایی شناسانه عمیق دریابد.

همچنین خداوند متعال با بهره‌گیری از قالب تشبیهی زبان در آیات «مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا، خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا» (طه: ۱۰۱) در این آیه نیز خداوند متعال در قالب زبانی تشبیهی و استعاری مخاطب را از انجام گناه و عقاب آن با خبر می‌سازد. معنای آیه این است که: "کسی که از ذکر (قرآن) رویگرداند، در قیامت ثقلی بسیار بزرگ را حمل خواهد کرد". در این آیه خداوند گناه را تشبیه به بار سنگین و ثقلی کرد که انسان به دوش خود می‌کشد و سپس وزر را استعاره از گناه آورد و در ادامه با توجه به اینکه ضمیر(ه) در «فیه» بر وزر برمی‌گردد، با مجاز و علاقه سببیه، اراده عقاب مسبب از وزر از کاربرد کنایی بهره گرفت. یعنی وزر در این عبارت کنایه از عذاب است، زیرا منظور از خلود در وزر، خلود در کیفر و عقاب آن است. قالب زبانی تشبیه برای مرکزیت قرار دادن عبارت در سوره‌های مدنی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است برای مثال: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فُوفًا حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (نور: ۳۹) « و کسانی که کفر ورزیدند کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه آن را آبی می‌پندارد تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است » خداوند متعال پس از بیان حالات مومنین در مقابل کافران، اعمالشان را توضیح داده و با بهره‌گیری از دو تشبیه به شرح آن می‌پردازد. نخست اینکه اعمال آن‌ها در آخرت باطل است و از آن سودی نمی‌برند و دیگر اینکه گمراهی و ضلالت دنیایی‌شان باعث شده اعمال آن‌ها به سبب نداشتن بهره‌ای به سرابی تشبیه شود که در مکانی پایین واقع شده و تشنگان آن را آب می‌پندارند و به دنبال آن می‌روند ولی چیزی نمی‌یابند. افراد کافر نیز می‌پندارند اعمال دنیوی‌شان برای آن‌ها سودمند است در حالیکه نه تنها سودمند نیست، بلکه چون باری بر دوش آن‌هاست. علت تشبیه به سراب به سبب دلالت بر حرکت و جریان داشتن آن است یعنی سرعت حسابرسی خداوند به اعمال آن‌ها همچون جریان و حرکت آب سراب است. در ادامه آیه خداوند متعال آن‌ها را در ظلمت و تاریکی احاطه نموده که پرتو ضعیفی از نور هم بدان نمی‌رسد زیرا همانگونه که خداوند در آیه «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ

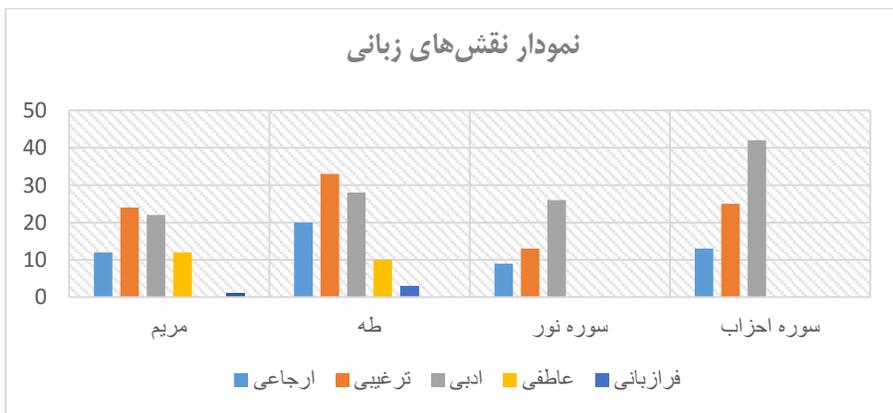
وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره: ۱۷) مطرح نمودند، خداوند برای آن‌ها نوری قرار داده بود ولی نورشان از بین می‌رود زیرا تظاهر نموده و قصد فریب خداوند را دارند. بنابراین خداوند نوری که برای آنان قرار داده می‌گیرد و آن‌ها در حسرت می‌مانند. تشبیه اعمال کافران به سراب زیباترین تشبیه است، زیرا دارای نظمی نیکو، الفاظ زیبا، کثرت فایده و دلالت صحیح است (محمد خلف الله، ۱۹۷۶: ۸۲).

تأکید بر خود پیام با استفاده از جنبه‌های زیبایی آفرینی یکی از روش‌های برجسته سازی کلام است که خداوند متعال در بیان اعمال کافران نیز از آن بهره برده است. وجود یک کارکرد زبانی مانع وجود سایر کارکردهای زبانی نیست عبارت «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) «خداوند رحمان که بر عرش استیلا یافته است» جمله خبری است که جمله اسمیه پیام متن را به موضوع آن مرتبط ساخته و با استفاده از صنعت ادبی توریه بر زیبایی و اهمیت آن افزوده است. توریه به کار رفته در آیه با هدف جلب توجه مخاطب نسبت به واژه «استوی» برای بیان اقتدار و ملک پروردگار عالمیان، نمونه‌ای از کارکرد ادبی است که جهت گیری و تاکید را بر خود پیام دارد. این عبارت بار معنایی بسیاری را در درون خود دارد و مخاطب را برای لحظاتی چند با واژه و معنای آن غرق در اندیشه و تفکر می‌کند که درک و دریافت معنای حقیقی عبارت، احساس لذتبخشی را در مخاطب ایجاد می‌کند. با نگاهی مختصر به آرای مفسرین می‌توان بر زیبایی این صنعت ادبی پی برد. آلوسی می‌گوید: استوی در ظاهر به معنای استقرار است در حالیکه این معنا با اعتقادات ما مخالف است زیرا استقرار یعنی قائل به جسم شدن و مکانیت که این ویژگی با طبیعت خداوند متعال در تضاد است. چرا که تجسیم به معنای محدودیت در قدرت است. به عبارت دیگر استواء به معنای ارتفاع و علو یافتن و همان استقرار است همانطور که در آیه «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود: ۷۴) «و به زمین خطاب شد که ای زمین، فوراً آب خود را فرو بر، و به آسمان امر شد که باران را قطع کن، و آب (به یک لحظه) خشک شد و حکم (فهر الهی) انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت، و فرمان هلاک ستمکاران در رسید» ذکر گردیده است. بیان این معنا برای خداوند امری مستحیل و غیر ممکن است. بنابراین باید گفت: استواء به معنای

استیلاء و چیرگی است همانگونه که متناسب با این معنا گفته می‌شود: استوی بشر علی العراق. همچنین استیلاء را می‌توان به معنای حصول بعد از عجز دانست که دوباره کاربرد آن برای خداوند امری محال است وی می‌گوید: تفسیری که رازی بر این واژه نموده است تمام این موارد را از بین می‌برد زیرا وی واژه را به اقتدار معنا می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۴۷۱). علامه طباطبایی در معنای استواء اصلاً به معنای ظاهری واژه توجه ندارد و معنای بعید و مقصود را در تفسیر خویش بیان می‌دارد. استواء بر عرش کنایه از این است که ملک و فرمانروایی خداوند تمام جهان را فرا گرفته، و تدبیر تمام امور به دست او است، و برای ذکر معنایی که در خور ساحت کبریایی الهی باشد می‌توان گفت: سلطنت او بر تمام جهان حکم فرماست و تقدیر و اصلاح تمام امور به دست اوست. بنابراین، استواء خداوند متعال بر عرش، مستلزم این است که ملک او بر همه چیز احاطه داشته و تدبیرش بر تمام اشیاء آسمانی و زمینی، بزرگ و کوچک گسترده باشد، بنابراین خداوند متعال، پروردگار همه چیز و یکتای در ربوبیت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۲۱). زمخشری نیز در تفسیر الکشاف معنای ملک را برای استواء بیان می‌کند (زمخشری، ج ۳: ۵۱). خداوند برای القای پیام اقتدار و ملک خود بر تمام جهانیان از صنعت بدیعی توریه بهره بردند زیرا استفاده از آرایه‌های بدیع و بیان برای تأثیر بیشتر کلام است که بر جنبه زیبایی شناسی زبان می‌افزاید و توجه مخاطب را جلب می‌کند. در این الگوی ارتباطی فقط معنا مورد توجه نیست بلکه شکل زبانی اثر مهم است. یعنی موضوع، الگوی ارتباطی در القای پیام مؤثر است و فقط پیام، معنی را تفهیم نمی‌کند.

همانند نمونه بالا، کارکرد هنری یا ادبی آیه پیش رو نیز برای برجسته سازی و القای بهتر پیام عبارات با هدف توجه به پیام اصلی آیه و مرکزیت قرار دادن آن قابل توجه است که نمونه‌ای از آن را در صنعت بدیعی احتبک از آیه زیر شاهدیم. «لَيْسَ أَلِ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» (احزاب: ۸) «تا راستان را از صدقشان باز پرسد و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است» اصل عبارت بدین صورت است: «لَيْسَ أَلِ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ ثَوَابًا عَظِيمًا وَ لَيْسَ أَلِ الْكَاذِبِينَ عَنْ كَذِبِهِمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۱۵۴) یعنی از هر عبارت حذف گردیده، آنچه در

عبارت مقابل بیان شده است. کاربرد اصلی احتبک برجسته سازی پیام آیه و خروج از یکنواخت بودن جملات است. خداوند تبارک و تعالی با بهره‌گیری از ایجاز موجود در احتبک، معنای گسترده و بسیار را در قالبی محدود به مخاطب القا می‌کند. با بهره‌گیری از این صنعت بدیعی می‌توان ابهام و عدم تناسب ظاهری میان دو آیه را تبیین نمود و هدف مهم از کاربرد این صنعت بدیعی ایجاز و مختصر گویی، دوری از عبث و احتراز از درازگویی است. توجه به قرینه‌های مقابل یکدیگر و جستجوی دقیق آن‌ها مخاطب را به کشف محذوف‌های جمله رهنمون می‌شود و تأثیر بسیاری در نحوه‌ی دریافت مخاطب از پیام آیه دارد و این صنعت بلاغی نقش مهمی در تفهیم مفاهیم قرآنی دارد. در تمام مواردی که برای کارکرد ادبی ذکر گردیده، نخست پیام آیه مورد توجه بوده و خداوند برای تثبیت بهتر معنا در ذهن مخاطبان از آرایه‌های ادبی و کارکرد ادبی - زیبایی شناختی بهره برده است. جنبه ادبی، بلاغی قرآن کریم مهم‌ترین اصل و ویژگی زبان قرآن کریم است که کاربرد آن در سراسر قرآن کریم قابل مشاهده است. این جنبه از قرآن کریم هم در سوره‌های مکی و هم مدنی مشهود است، کاربرد آن با هدف جلب توجه مخاطب صورت می‌گیرد زیرا مخاطب پس از دریافت محتوا و مضمون عبارات از ورای تصاویر بدیعی و ادبی به کشف لذتمندانه از متن رسیده و محتوای عبارت در ذهن خواننده یا مخاطب ماندگارتر می‌شود. در ادامه با ارائه نموداری از چهار سوره مورد بررسی، میزان کاربست نقش‌های زبانی را نشان می‌دهیم که تمایز هر دو گروه از سوره دقیقاً مشخص خواهد شد.



با توجه به نمودار فوق در سوره‌های احزاب و نور، کارکرد عاطفی مشاهده نشده است و این مطلب به سبب آن است که فرستنده اصلی عبارات خداوند متعال است و کارکرد عاطفی بازگو کننده احساس و حالات گوینده است و وجود خداوند متعال به دور از این است که همچون انسان دارای حالات یا احساسات متفاوت باشد؛ زیرا او مستجمع جمیع صفات نیکوست و نیازی به بیان احساس خویش ندارد. کارکرد فرازبانی نیز در این سوره‌ها مشاهده نشده زیرا آیات مدنی است و مستقیماً در پی بیان معارف و احکام الهی برای مومنان است و تمام واژگان و عبارات به صورت روشن بیان شده و نیازی به تفسیر و توضیح ندارد. فرستنده پیام در این سوره‌ها خداوند و گیرنده فقط سه تن هستند، نخست پیامبر اکرم صلی الله، مومنان و همسران پیامبران و در این خطاب‌ها کارکرد ترغیبی مشهود است و جهت پیام به سوی گیرنده است و هدف در آن تعلیم و آگاهی دهی است؛ برآیات بعد از هجرت پیامبر اکرم نازل شده و در پی ترغیب مومنان بر انجام امور شرعی و معارف الهی است. در نتیجه با توجه به مشخص بودن هدف این سوره‌ها، کارکرد عاطفی، فرازبانی و همدلی متناسب با این سوره نیست. متناسب با مکی بودن سوره مبارکه طه و مریم خطاب عبارات بیش تر متوجه مشرکان و هدف آیات دعوت به توحید و یکتاپرستی است. گیرنده و فرستنده پیام در آیات این سوره‌ها، متنوع است بدین سبب کارکردهای زبان در میان آیات مشهود است. فرستنده پیام در آیات شامل خداوند، پیامبر اکرم، موسی و هارون علیهما السلام، ساحران، فرعون و شیطان است و متناسب با فرستنده، گیرندگان پیام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قوم موسی، بنی اسرائیل، ملائکه، موسی و هارون و حضرت آدم هستند. ویژگی غالب و متمایز سوره مریم، در صد بالای کارکرد عاطفی کلام است یعنی آنجا که جهت کلام به سوی گوینده است و دلیل این امر آن است که اکثریت خطاب‌ها در آیات متوجه خداوند بوده و گویندگان، پیامبران الهی و حضرت مریم هستند که به بیان حالات و احساسات خود در گفتگو با خداوند متعال هستند. گیرنده پیام در غالب عبارات خداوند متعال، قوم حضرت زکریا و حضرت عیسی و مریم سلام الله و پدر حضرت ابراهیم هستند که افزون بر گیرنده بودن، نقش فرستنده کلام را نیز ایفا می‌کنند.

## نتیجه

در بررسی ارتباط قرآن کریم، بر اساس الگوی ارتباطی یاکوبسن، انسان بیشتر در کانون توجه به عنوان گیرنده یا فرستنده قرار می‌گیرد. بررسی در مورد خداوند یا آگاهی از او به سبب جایگاه عظیم و والا و محدود بودن انسان در شناخت وی، چنین بررسی را مشکل می‌سازد. برآیندهایی داشت که بر اساس پاسخ به سؤالات پژوهش، به طور خلاصه ارائه می‌گردد:

در پاسخ به پرسش اول مبنی بر وجه تمایز سوره‌های مکی و مدنی در نوع خطاب مبتنی بر نظریه یاکوبسن یافته‌ها نشان داد: خطاب‌های موجود در سوره‌های مدنی نیز بیشتر دارای کارکردِ ترغیبی و کنشی است زیرا این سوره‌ها پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله نازل شده و بیش‌ترین خطاب‌ها با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» و یا ایها النبی است به گونه‌ای که در سوره احزاب ۶ مرتبه خطاب با ایها الذین آمنوا و در سوره نور ۴ بار ذکر شده و خطاب در سوره احزاب ۵ مرتبه با ایها النبی و دو مرتبه با نساء النبی است، اما در سوره‌های مکی خطاب بیشتر به مشرکان بوده و یا عبارت یا ایها الناس به کار رفته و محتوای آن دعوت به توحید و نهی از شرک و بت‌پرستی است.

متناسب با سوال دوم مبنی بر تفاوت در مخاطب و بافت خطاب و تأثیر آن در نقش‌های زبانی و جهت‌گیری خطاب می‌توان گفت: مقصود گوینده یا فرستنده پیام است که منجر به توجه پیام به عنصری از عناصر دخیل در فرآیند ارتباط می‌شود و کارکرد خاصی را در متن برجسته می‌کند؛ اما تفاوت نوع بیان علی‌رغم کارکرد واحد را باید در گیرنده پیام جستجو کرد.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر، تحلیل رابطه میان ساختار جملات و الگوی ارتباطی موجود در قرآن کریم، نتایج نشان داد: اکثر خطاب‌های موجود در سوره‌ها نسبت به بندگان، خطاب‌هایی غیر مستقیم بوده و خداوند از زبان پیامبران خویش پیام را به تمام مخاطبان القا می‌کند. در خطابی که جهت پیام به سمت گیرنده است، شیوه‌های انگیزش مخاطب یعنی امر و نهی و ندا و ... استفاده می‌شود و در مواردی از نقش انگیزشی و ترغیبی، از ساختارهای خبری استفاده می‌شود که در ظاهر جمله را دارای کارکرد ارجاعی می‌نماید.

در مجموع باید خاطر نشان نمود: در سوره‌های مورد نظر در مجموع خطاب‌ها، جهت گیری پیام به سوی مخاطب غالب است. با توجه به ویژگی تعلیمی و آگاهی بخشی نقش ترغیبی زبان، کاربرد این نقش نسبت به سایر نقش‌های زبانی غالب است.

جهت‌دار بودن پیام به سوی موضوع پیام، یعنی کارکرد ارجاعی زبان از دیگر نقش‌های پرکاربرد در میان آیات مورد نظر بود. توجه به جنبه بلاغی، زیبایی‌های ادبی موجب عمق بخشیدن به فهم کلام الهی می‌شود و مخاطب را به تدبر و تفکر وامی‌دارد به همین سبب کاربرد آن در میان سایر کارکردها قابل تامل است. در ارتباط با نقش فرستنده، نیز فرستندگان پیام در سوره‌های مکی بیش‌تر و متعددتر از سوره‌های مدنی است، همانگونه که در سوره طه و مریم مشاهده کردیم، خطاب از زبان، خداوند به پیامبران و از زبان پیامبران (حضرت موسی، هارون، قوم آنان، حضرت زکریا، حضرت عیسی، ابراهیم) خطاب از زبان شیطان به آدم و دیگر موارد مشاهده شده است. حال آنکه فرستنده پیام در سوره‌های مدنی خداوند متعال است.

## منابع

### - قرآن کریم

۱. آدینه، فرامز، علیان، فاطمه، (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی زبان شناختی خطبه ۲۹ نهج البلاغه بر مبنای نظریه یاکوبسن» چهارمین همایش متن پژوهی ادبی. صص: ۱-۱۹
۲. احمدی، بابک، (۱۳۷۰)، «ساختار و تأویل متن» تهران، نشر مرکز.
۳. -الآلوسی، محمودبن عبدالله، (۱۴۱۵)، "روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم" (چاپ اول)، ج ۵-۱۱، به تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. انصاری، نرگس، (۱۴۰۰)، نقش‌های زبانی و کارکرد پیام در نامه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن، مجله لسان مبین، دوره ۱۳، شماره ۴۵.
۵. ایزتسو، توشیهیکو، (بی‌تا)، «خدا و انسان در قرآن» ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران: بهمن
۶. بهرامی، محمد. (۱۳۸۹)، تفسیر فهم القرآن الحکیم در نگاهی گذرا، مجله پژوهش‌های قرآن، سال شانزدهم، شماره ۶۲-۶۳: صص ۲۱۶-۲۳۵
۷. حاتمی، سعید و همکاران، (۱۳۹۲)، «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم شماره هفدهم
۸. حری، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، «افسون صوت و معنا در دعای آغازین سال نو به منزله اثر ادبی» پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۴۳، صص ۷۱-۹۳
۹. حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴)، «انوار درخشان در تفسیر قرآن» چاپ اول، تهران: لطفی.
۱۰. درویشی رکنی، نازنین، ارسلان گلفام، علی حاجی خانی، (۱۳۹۹)، «بررسی خطاب در قرآن بر مبنای مدل ارتباطی یاکوبسن با تکیه بر سه مخاطب انسان، بنی آدم و ناس» مجله پژوهش‌های ادبی قرآن، شماره ۲، صص ۴۹-۷۰
۱۱. ساغروانیان، سید جلیل، (۱۳۶۹)، «فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی» مشهد: نشر نما.

۱۲. صالحی، فاطمه، احمد ذاکری، (۱۳۹۴)، بررسی مشابهت‌های علم معانی (به عنوان یکی از شاخه‌های بلاغت اسلامی) و نظریه ارتباط یاکوبسن با تکیه بر آیات قرآن کریم (پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال چهارم، شماره اول، صص: ۱-۲۲).
۱۳. صفوی، کوروش، (۱۳۷۳)، «از زبان‌شناسی به ادبیات» چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، «تفسیر المیزان» چاپ پنجم. جلد ۲، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» تهران: ناصر خسرو.
۱۶. علوی مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، «نظریه‌های نقد ادبی معاصر، صورت‌گرایی و ساختارگرایی» چاپ اول، تهران: سمت.
۱۷. گیرو، پی‌یر، (۱۳۹۲)، «نشانه‌شناسی» محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
۱۸. محمد خلف الله، احمد. (۱۹۷۶) «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن للرمانی و الخطابی و عبدالقاهر الجرجانی فی الدراسات القرآنیة و النقد الادبی» الطبعة الثالثة، القاهرة.
۱۹. نجفی، مریم، یزدانی، حسین، میرباقری فرد، سید علی اصغر، کوپا، فاطمه، (۱۳۹۷)، «مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه یاکوبسن (با تکیه بر آثار منشور عرفانی تا قرن هفتم) فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی» سال ۱۴، شماره ۵۰، صص ۲۶۷-۲۹۳.
۲۰. هلیدی، مایکل؛ حسن، رقیه، (۱۳۹۳)، زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: علمی.
۲۱. یاکوبسن، رومن، (۱۳۶۷)، «روندهای بنیادین در دانش زبان» ترجمه کورش صفوی، چاپ اول، تهران: هرمس.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰) «ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی» ترجمه به سرپرستی فرزاد سجودی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.

۲۳. یاکوبسن، رومن؛ فالر، راجر؛ لاج، دیوید، (۱۳۶۷)، مجموعه مقالات زبانشناسی و نقد ادبی، ترجمه

مریم خوزان و حسین پاینده، تهران: نی

۲۴. یعقوبی، روح الله، کرد زعفرانلو، عالیه، (۱۳۹۷)، «تحلیل زبان شناختی واژه‌های حمد و شکر در

آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس» مجله پژوهش‌های ادبی -

قرآنی، سال ششم، شماره اول، صص: ۲۳-۴۲.

**The Distinction between Makki and Madani Surahs apropos  
Language Functions: A Study of Surhas Maryam, Ṭā ḥā, An-Nur, and  
Al-Ahزاب Based on Roman Jakobson's Communication Model<sup>1</sup>**

Zahra Salimi<sup>2</sup>

Narges Ansari<sup>3</sup>

**Abstract**

The divine word as a text that has been presented to its audience in the process of conveying the meaning takes diverse forms depending on situational and textual contexts as well as the addressees. The condition of the receiver of messages in *Madani* surahs is different from that of *Makki* surahs. A difference that has made distinction in meanings. That said, it is possible to scientifically illuminate this distinction using new linguistic approaches. According to Jakobson's communication theory, when the concentration of the discourse is on each one of its elements, it finds a different function. The present study aimed at comprehending the themes of ayahs from an addressing viewpoint. Considering the language functions based on Jakobson's model and with the aim of opening up a new horizon for the reception and comprehension of the Holy Qur'an and the distinction between Makki and Madani surahs, the question of the present descriptive-analytical article concerned the effect of difference in the audience and context on language functions and addressing direction. Therefore, the difference in the audience and receiver and their impact on the linguistic function of message were examined. To this end, surahs Maryam and Ṭā ḥā as *Makki* surahs with a clear mutual interaction in their text, and surahs Al-Nur and Al-Ahزاب as *Madani* surahs were purposefully selected as the corpus of the study and for the explication of different types of address in a comparative manner. Given the instructional and informational feature of the persuasive function of the language, the application of this function as compared with other ones is prevalent in the Holy Qur'an particularly in Madani ayahs. The message being directed towards the subject with the characteristic of verifiability and falsifiability of the truth of the expressions, that is, the referential function of language, was another widely used role among the ayahs in question. Much of the address in these surahs are indirect sermons for the servants, and God conveys the message to all the audience through the words of His prophets.

**Keywords:** pattern of the Holy Qur'an, Makki and Madani surahs, communication theory, Jakobson, language functions

---

1. Date Received: June 18, 2021; Date Accepted: September 16, 2021

2. Corresponding author: PhD from Imam Khomeini International University;  
Email: zahrasalimi1998@yahoo.com

3. Associate Professor, Imam Khomeini International University;  
Email: n.ansari@hum.ikiu.ac.ir